



اگر به کوی تو باشد مرا مجال وصول  
رسد به دولت وصل تو کار من به اصول  
قرار برده ز من آن دو نرگس رعنا  
فراغ برده ز من آن دو جادوی محکول

### مهمانی غزل

میزبان: عطار نیشابوری  
عنوان: قصه عشق

تا که عشق تو حاصل افتادست

کار ما سخت مشکل افتادست

آب از دیده ها از آن باریم

کانتش عشق در دل افتادست

در ازل پیش از آفرینش جسم

جان به عشق تو مایل افتادست

جان نه تنهاست عاشق رویوت

پای دل نیز در گل افتادست

سالکان یقین روی تو را

بارگاه تو منزل افتادست

من رسیدم به وصل بی وصف

عقل را رای باطل افتادست

کس نگوید که این چرا و چیست

ز آن که این سر مشکل افتادست

فتنه عطار در جهان افکند

چاه، ماروت، بابل افتادست

دل عطار بر دلت مثلی

مرغکی نیم بسمل افتادست

### غلط نویسیم

نشان/نشانه

این دو واژه همگون اند و معانی متعدد آن‌ها تقریباً یکسان است و در اغلب موارد می‌توان آن‌ها را به جای هم به کار برد.

**اهل و عیال**

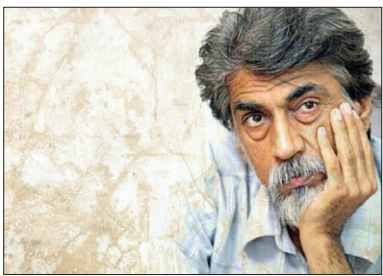
به معنای «زن و فرزند، اهل خانه». گاهی در نوشته‌ها این اصطلاح را بر اساس تلفظ عامیانه آن به صورت عهد و عیال می‌آورند که صحیح نیست. بهتر است به صورت اهل و عیال نوشته شود.

**بر گرفته از کتاب «غلط نویسیم» اثر ابوالحسن نجفی**

### پیک خبر

### خانواده «قیصر»

**از جا علان شکایت می کنند**



خانواده قیصر امین‌پور که پیش‌تر نیز در باره انتشار آثار جعلی منسوب به این شاعر هشدار داده بودند، این بار می‌گویند که حتماً پیگیری قضایی می‌کنند. به گزارش ایسنا، خانواده قیصر امین‌پور تا کنون بارها با جعلی اعلام کردن آثار ی منسوب به این شاعر فقید، به این موضوع واکنش نشان داده‌اند. با این حال، آن‌ها بار دیگر در صفحه رسمی این شاعر، شعر «یک روز می‌رسد که در آغوش گیرمت / هرگز بعید نیست، خدا را چه دیده‌ای» را که توسط صفحه‌ای غیر رسمی به نام قیصر امین‌پور منتشر شده‌است، جعلی اعلام کرده و نوشته‌اند: «این شعر جعلی است! هم‌راهان و دوستان عزیز این صفحه را لطفاً مجدداً در پیورت کنید. سال‌هاست که داریم تذکر می‌دهیم و این صفحه هیچ توجهی نمی‌کند. این بار حتماً پیگیری قضایی هم خواهیم کرد.»

### نزهت‌امیری

**با «سرزمین مادری» می‌آید**

ارکستر «سرزمین مادری» به رهبری نزهت امیری و خوانندگی غفار زاده، دوم و سوم دی‌ماه در تالار وحدت به‌روی صحنه خواهد رفت. به گزارش ایسنا، این کنسرت در روز دوم دی‌ماه ساعت ۱۸ و جمعه سوم دی‌ماه ساعت ۲۱:۳۰ در تالار وحدت، میزبان مخاطبان خواهد بود. در این کنسرت قطعاتی از روح... خالقی، گلنوش خالقی، توفیق قلی‌اف، مهرداد دلنوازی و بهزاد عبّدی اجرا می‌شود. همچنین تک‌نوازان این اجرا شامل علی نجفی‌ملکی (نی)، مریم خدابخش (عود)، شیما شاه‌محمدی (قیچک) و صداسدیفی (قانون) هستند.

**گفت‌وگوی خراسان با سالار عقلی در زادروز زنده یاد استاد محمد نوری**

# بنیان‌گذار پاپ اصیل ایرانی

**اکرم انتصاری** – چه کسی می‌تواند صدا و لحن محمد نوری را در موسیقی ایرانی فراموش کند؟ صدای محمد نوری با همه ایهتش در ترانه «ای ایران ایران»، همه لطافتش در قطعه گیرای «جان مریم» و همه عشقش به میهن در «سرزمین محبوب من» به موسیقی ایران پیوند خورد و به خاطره جمعی ایرانی‌ها تبدیل شده است. اگر روزگار به این خواننده بزرگ اجازه می‌داد، او امروز ۹۲ ساله می‌شد و یک‌بار دیگر به روی صحنه می‌رفت

### خواننده‌ای بسودن لحن ساختگی

محمد نوری یک خواننده پاپ واقعی به تمام معناست. این عقیده سالار عقلی درباره نوری است و درباره وی می‌داند آن می‌گوید: «اگر بخواهم یک خواننده پاپ واقعی، پاپ ایرانی جدی‌رادر ایران نام‌بیرم، از آقای محمدنوری یادمی‌کنم. او کسی بود که موسیقی پاپ ایرانی را به نحوا حسن به مردم نشان داد و معرفی کرد. وی آثار بسیار خوب و ماندگاری در این زمینه ارائه داد. البته مردم هم عاشق محمد نوری و شخصیتش بودند. واقعا حیف شد که محمدنوری خیلی زود از میان ما رفت. هر چند آثار و خاطرات خویش برای ما به‌جا مانده است. دوباره می‌گویم که من اگر بخواهم یک موسیقی پاپ درست ایرانی را معرفی کنم، آثار محمد نوری را معرفی می‌کنم. لحن و صدای او ساختگی نیست. یک خواننده شبیه به او باید اول لحنش را داشته و دوم این‌که به این سبک علاقه داشته باشد و به آن عشق بورزد.»

### عشق است که فردا ماندگار می‌کند

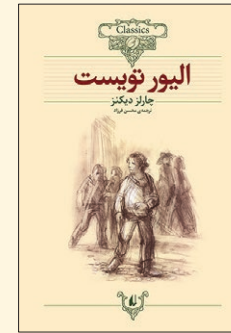
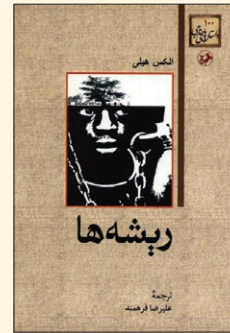
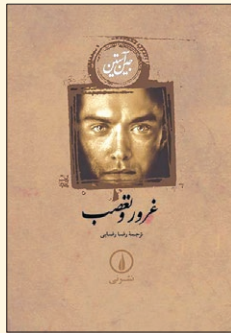
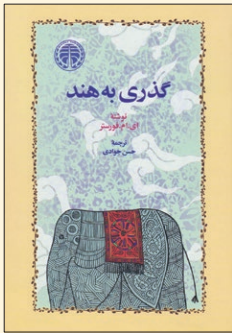
طیف آثار محمد نوری بسیار متفاوت و گسترده است. جالب این‌که او در هیچ کدام شکست نخورده و توانسته است همان قدر که در «جان مریم» دوست‌داشتنی ظاهر شده، در «ای ایران» هم بدرخشد. سالار عقلی عشق را مهم‌ترین عامل ماندگاری نوری می‌داند و درباره دلیل ماندگاری او این‌طور می‌گوید: «عشقی که در کارهای محمد نوری است، او را ماندگار کرده است. ثن صدای خاص، لحن گیرای او و عشقی که به کارش داشت را هم به آن اضافه کنید. او با عشق می‌خواند. تکنیک‌هایی داشت که مخصوص به خودش و موسیقی پاپ ایرانی بود که به شاگردانش انتقال داد. بیشتر از همه عشق به کار است که فرد را ماندگار می‌کند، چون خواننده‌ها معمولاً دوره کاری‌شان شاید ۵ یا ۱۰ سال بیشتر نباشد؛ به‌خصوص در بخش موسیقی پاپ که خواننده‌ها عمر کاری کوتاهی دارند. یعنی یک خواننده می‌آید، کاری ارائه می‌دهد و می‌رود. ولی اگر به کارنامه محمد نوری نگاه کنید، شاید بالای نیم قرن ماندگار بوده‌و مردم هنوز هم که‌هنوز است کارهای او را دوست دارند و گوش می‌دهند. اخلاق، منش و کردار او، بازند همه و ماندگار است.»

### اجرای قطعه‌ای که قرار بود نوری بخواند

محمد سریر آهنگ‌ساز آلبوم «دلایب‌ترین» محمدنوری و سه آلبوم دیگر اوست. سالار عقلی، سریر را نزدیک‌ترین فرد به محمد نوری در موسیقی می‌داند. او درباره همکاری‌اش با سریر می‌گوید: «من به خودم اجازه بازخوانی آثار محمدنوری را ندادم. اما طی جلساتی که با دکتر محمد سریر داشتم، قرار است قطعه‌ای به نام «میرس از من» را اجرا کنم. یک اثر زیبا در سبک و سیاق کارهای محمدنوری که قرار است آن را با ارکستر محمد سریر انجام دهم. فکر می‌کنم این اثر اقرار بود محمد نوری اجرا کند که از دنیا رفت و بعداً، دکتر سریر اجرای آن را به من پیشنهاد داد.» سالار عقلی در اپرای عروسی «همای و همایون» به کارگردانی بهروز غریب‌پور در نقش خواجوی کرمانی ظاهر شده است. این اپرا ضبط شده و منظر اجازه برگزاری کنسرت‌هاست تا به روی صحنه برود. همچنین آلبوم «شهر خاموشی» یکی از آثار جدید سالار عقلی است که تا آخر دی از آن رونمایی می‌کند. او در این آلبوم با جوان‌ترها همکاری داشته‌است و درباره علت این تصمیم می‌گوید: «یکی از رویکردهای من در سال‌های جدید، کار کردن با جوان‌هاست. البته با برخی از

این عزیزان در کارهای گذشته همکاری داشته‌ام. همان‌طور که استاد‌های بزرگ دست‌ما را گرفتند و به این‌جا رساندند، این وظیفه ماست که این کار را انجام بدهیم، دست این عزیزان را که لیاقتش را دارند، بگیریم و آن‌ها را به مردم عزیز معرفی کنیم تا مردم بدانند که این جوان‌ها هم می‌توانند کارهای خیلی خوبی را ارائه دهند.»

# ۶رمانی که آخر سبک کلاسیک هستند!



وی، علاقه پیدا می‌کند؛ اما این عشق در دسرهای زیاد و پیش‌بینی نشده‌ای در پی دارد؛ یک اوج غیرمنتظره که خواننده را وامی‌دارد تا پایان داستان را دنبال کند. در کنار این‌ها، رمان غرور و تعصب، نمایشی از شهر لندن است؛ گزارشی کامل از آداب معاشرت، و سایل حمل و نقل، پارچه‌ای مورد استفاده در لباس‌ها و البته معماری جذاب خانه‌ها.

**گذری بر هند**

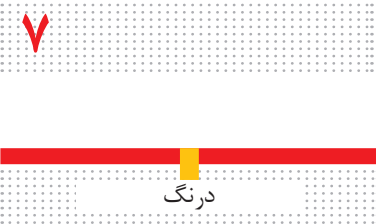
**راوی حقیقت تلخ استعمار**

گذری بر هند را باید بهترین اثر کلاسیک ادوارد مورگان فورستر بدانیم که تصویری دقیق و جذاب از هندوستان تحت استعمار بریتانیا را به نمایش می‌گذارد و تلاش هندی‌ها را برای استقلال به تصویر می‌کشد. این رمان، داستان دوستی عمیق یک هندی به نام دکتر عزیز با یک انگلیسی به نام آقای فیلدینگ است. داستانی که در کنار سفر به غارهای مارآبار، در دسرهایی پر از دکتر عزیز در دست می‌کند. بریتانیایی‌ها او را به دادگاه می‌کشند تا محاکمه کنند، اما در نهایت حکم به برائت وی صادر می‌شود. گذری بر هند، مجموعه کاملی از فرهنگ، سنت‌ها و آداب و رسوم متفاوت هندی و انگلیسی را در کنار تقابل و درگیری این دو فرهنگ، تصویر می‌کند و از رنج و تبعیض مردم تحت استعمار هند، گزارشی غم‌انگیز و جذاب در اختیار مخاطب قرار می‌دهد.

### غرور و تعصب یک عاشقانه ناآرام

غرور و تعصب یکی از رؤیایی‌ترین و بهترین رمان‌های جین آستین است. وی روایتی از دو دختر آقا و خانم بنت ارائه می‌کند. دو دوست ثروتمند آقای بنت به نام‌های آقای بینگلی و آقای داس‌ری بعد از رفت و آمد به منزل بنت، به جین و الیزابت، دختران

## ادب و هنر



درنگ

به بهانه انتشار تازه‌ترین تیزر

«مست عشق»

**پس مولانا، شاعر پارسی‌گوی شیرین سخن کجاست!؟**



**کاشف** – تازه‌ترین تیزر فیلم سینمایی «مست عشق» به کارگردانی حسن فتحی، هم‌زمان با هفتصد و چهل و هشتمین سالگرد بزرگداشت مولانا منتشر شد. این اثر، محصول مشترک ایران و ترکیه و پریشی از زندگی مولانا، شاعر بزرگ ایرانی است که در آن پارسا پیروز فر در نقش مولانا، شهاب حسینی در نقش شمس تبریزی و حسام منظور در نقش حسام‌الدین چلبی، جلوی دوربین رفته‌اند. قرار بود همایون شجریان و سهراب پورناظری، دیگر ایرانی‌های حاضر در این فیلم سینمایی برای ساخت موسیقی تیتراژ باشند که انصراف این دو نفر، شرایط را طور دیگری رقم زد. اما در این تیزر ۱۲۰ ثانیه‌ای که می‌گذرد؛ تیزر با چند جمله به زبان ترکی شروع می‌شود، موسیقی، طراحی لباس و فضای صحنه‌ها بیشتر روانی ترکیب فیلم ترکی است و دیالوگ‌ها نیز به زبان ترکی بین بازیگران رد و بدل شده و با یک زیرنویس انگلیسی همراه است. پس تکلیف مولانا و شمس تبریزی و دیوان شعر فارسی چه می‌شود؟ فیلمی که قرار است زندگی یک شاعر بزرگ فارسی و مواجه‌اش با عارف بزرگی چون شمس تبریزی را روایت کند، چرا نباید هیچ نماد و نشانی از زبان فارسی داشته باشد و به مخاطبی که ممکن است از هر جای جهان به تماشای این فیلم بنشیند معرفی و یادآوری کند که او مولاناست، مولانای بزرگ ایرانی‌ها که باید در جهان، اورا شاعر بزرگ زبان فارسی بدانند و لاغیر. شخصیت بزرگی که‌تر که‌ها همیشه در صدا مصادر ه او به نفع خود هستند؛ اما تلاش‌های ما برای معرفی و حفظ او، تا به حال چنگی به دل نزده‌است. این که تا به حال در چند گوشه دنیا، چند نفر و چه کسانی خواسته‌اند مولانا را جلوی دوربین ببرند و شکست خورده‌اند مهم نیست؛ مهم آن است که در «مست عشق» لاقل حواسمان به ایرانی بودن مولانا و تعلق وی به فرهنگ ایرانی و زبان شیرین فارسی باشد.



تکنه

**تورا به خدا، دست از سَرِ**

**سعدی بردارید!**



**آرانیان** – خرداد سال ۹۸ بود که نقش برجسته‌ای از سعدی شیرازی در جوار باغ دلگشای شهر شیراز نصب شد و اعتراض و انتقاد اهالی هنر و فرهنگ را به دلیل طرح عجیب و غریب تصویر سعدی در آن نقش برجسته، در پی داشت؛ انتقادهایی که سرانجام منجر به حذف این نقش برجسته از شورای شهر شیراز شد. حالا پس از گذشت بیش از دوسال از این اتفاق، صفحه «درست‌نویسی» در اینستاگرام با انتشار تصویری از مجسمه بدون سر سعدی در شیراز، از زده‌شدن سر این مجسمه خبر داده که واکنش کاربران را در پی داشته‌است. این صفحه با انتشار این خبر نوشته‌است: «مجسمه‌سعدی تنها شکلی از یک شاعر معروف نیست. سعدی مایه مباهات ایران‌زمین است. این مجسمه بخشی از هویت تاریخی ایرانی‌هاست؛ چرا که ادبیات هرگز از تاریخ جدا نبوده و نیست. از شهرداری شیراز گل‌هداریم که تن بی‌سر را جمع‌از دید عموم پنهان کرده‌است. بر ماست تا رنگ خطر را به صدا درآوریم و مسئولان را متوجه عواقب جبران‌ناپذیر این نادیده‌گرفتن‌ها بکنیم. آگاه باشید که عده‌ای ناآگاهی از هویت را رد کرده و نیرد با هویت را شروع کرده‌اند.» در پی انتشار این خبر، مسئولان سازمان زیباسازی شهرداری شیراز دستور پیگیری و مرمت مجسمه را داده‌اند. حالا که سخن از مجسمهٔ سعدی، آن‌هم در شیراز به میان آمده‌است، بد نیست بدانیم اولین مجسمه‌ا سعدی شیرازی که تبدیل به الگو و معیاری برای مجسمه‌سازی از این نماد ملی شد، ساخته و هنر دست استاد ابوالحسن‌خان صدیقی، شاگرد کمال‌الملک بود و در دههٔ ۱۳۵۰ ساخته‌شد. این مجسمه هم‌اکنون در چهارمهرنیا در شیراز و نزدیک آرامگاه سعدی نصب است.